

چکیده

با وقوع جرم، جامعه اقدام به واکنش و برخورد برای اعاده نظم بهم ریخته می‌نماید، باید گفت همیشه برخوردی مشابه در قبال مرتکبین جرائم مشابه، مساوی با عدالت نیست، یعنی همزمان با قوت گرفتن مفاهیمی همچون استحقاق، عدالت و انصاف، عده‌ای توجه به شخصیت مجرم و سایر عوامل دخیل در بزهکاری را عامل تبعیض میان مرتکبان جرائم مشابه می‌دانند. بدین معنا که قدرت حاکمه اقدام به واکنشی موردی و تفریدی در برابر مجرمین می‌نماید. این مفاهیم و اهداف در قالب اصل فردی کردن واکنش کیفری قابل تحقق و دستیابی است. اصلی که ناشی از مطالعات جرم‌شناختی و در راستای عدالت و دارای ارتباطی تنگاتنگ با جرم‌شناسی بالینی است و قاضی را دارای اختیاراتی می‌نماید که از کالبد خشک و غیرقابل تغییر قوانین فراتر رفته تا عدالت را آن‌گونه که هست اجرا نماید. با مطرح شدن و گسترش این نوع از سیاست کیفری افق‌های نوینی در پیش روی حقوق جزا گشوده شده و تا حدودی از بار انتقادهایی که به نحوه‌ی انتخاب و اجرای واکنش کیفری متخذه توسط جامعه وارد می‌شد، کاسته است. البته صرف توجه به این اصل بدون رعایت پیش شرط‌های لازم برای اعمال آن، خود دارای توالی فاسد دیگری خواهد بود. در این پایان نامه سعی بر آن خواهد شد تا جایگاه اصل مذکور را در مجازات‌های شرعی و عرفی روشن سازیم، و با بررسی دقیق این اصل، در این دسته از مجازات‌ها بالاخص مجازات‌های شرعی این نکته را روشن نماییم که حقوق جزای اسلامی سالها پیش از قانونگذاران غربی که داعیه ابداع اصل مذکور را دارند به اصل فردی کردن واکنش کیفری توجه داشته و در سرتاسر قانونگذاری جزایی خود آموزهای اصل فردی کردن را رعایت نموده است.

واژگان کلیدی: مجازات، فردی کردن، مجازات عرفی، مجازات شرعی